

جای شهادت سلطان شهاب الدین غوری

اگر چه در برخی از مطبوعات افغانی چند سال قبل درین باره قیل و قالی بر پا بود که جای شهادت سلطان شهید شهاب الدین (معزالدین) محمد غوری که از بزرگترین پادشاهان غور و بعد از سلطان محمود فاتح بزرگ و ناشر دین اسلام در براعظم هند و پاک است در قریه دهیک شش گروهی غزنی در علاقه لگن خیل اندر است. ولی بعد از نشر جلد دوم کتاب طبقات ناصری و تعلیقات مفصل آن که در صفحه ۸۱۰ جلد ۲ برین موضوع بحث مفصلی آمده ثابت گردید که این رأی یکنفر نویسنده محترم مجله کابل جلد ۴ صفه ۷۹۲ بیعد صحیح نبوده و مشهد آن سلطان نامور دهمیک است که متصل سوهاوه ضلع جهلم پنجاب واقع است و مردم اکنون آنرا دهمیک Dhamek تلفظ میکند.

طوریکه مؤرخ نزدیکتر و معاصر سلطان فخر مدبر مبارکشاه (ص ۷۱ طبع لندن ۱۹۲۷) مینویسد: "در خریف سند اثنتی و ستمائه (۶۰۲ هـ) سلطان شهید معزالدنیا والدین رحمة الله علیه به لوه‌ر رسید... و هم در آن روزها سوی حضرت غزنه بازگشتند و در منزل دوم یک چنان واقعه حائله حادث گشت" (یعنی سلطان شهید شد). از این تصریح معاصر و چشم دید فخر مدبر که در معسکر شاهی بود بخوبی واضح است که دهمیک در دو منزلی لاهور بوده نه در حدود غزنه (چنانچه در مجله کابل جلد ۴ نوشته اند).

بهر صورت چون این مسئله تاریخی اکنون روشن گردیده حاجت باوردن دلائل دیگر ندارد ولی درین مقاله تذکار برخی از نکات جدید و دادن تصاویر همان موقع که سلطان غوری بر آن شهادت یافته مقصد ماست، این کوت دهمیک در ضلع جهلم واقع است و اگر بفاصله سی میل از جهلم بر جاده بزرگ راولپندی برویم و بطرف راست تا هفتم و نیم میل براه خام حرکت کنیم به موضع سه هاوه میرسیم که در شمال آن جائی بنام کوت دهمیک موجود است.

درین دهمیک تپه ایست که مردم بومی تاکنون آنرا (غورون کی پهرط) می نامند تپه غوریان رک: به معارف ستمبر ۱۹۴۳) برین تپه یک صفه سنگین و درختی چند موجود است که مردم بر آن قبری را بنام شهاب الدین غوری ساخته اند ولی چون باتفاق مورخان نعش سلطان را به غزنه بوده اند بنا براین باید گفت که شاید مردم بر خون و مشهد سلطان خاک و سنگ را انداخته بودند که بعد از آن به قبر تبدیل گردید و مورد عقیدت مردم گشته باشد.

مخفی نماند که در ماه نومبر ۱۹۵۵ ضمیمه اورینتل کالج میگزین لاهور استاد محمدشفیع صاحب لاهوری در ضمن مقالتی این موضوع را نیز تذکار فرموده و از نسخه منحصراً بفرید خطی ظفرنامه حمدالله مستوفی موجود موزه برطانیا تألیف ۷۳۶ هـ محرره رمضان ۸۰۷ هـ در شیراز بقلم محمود پن سعید انتخاب اشعاری را داده اند که حمدالله مستوفی در آن کتاب بر موضوع شهادت غوری سروده. چون این ابیات از یک نسخه خطی نادری نقل شده و برین موضوع سند تاریخی خوبی است و در تعلیقات طبقات ناصری نیز ذکر آن نیامده بنا بران آنرا درینجا می آوریم:

<p>چو بر ساحل آب غرنده روذ شہ غوریان گر مگہ در نماز زہندو فدائی دو تن کوکری چو جا بوذ خالی عدو دست یافت ازو کین کوکر بجستند باز سر مرد در سجده کردن بماند زششصد دو افزون ز تاریخ سال چل و چار بوذہ مه آن دیار ہمین دید انجام از آن کار سوذ شگفت آیدم کار این روزگار چہ الکو غزا می کند بہردین کسی را پسین روز روی امان چو سلطان غوری چنین شد تباہ ببردند شخصش سوی دار ملک</p>		<p>سپاہ جهانگیر آمد فروذ شدو اربذ اندیشش آمد گزار برفتند برکین او یکسری دلیری نمود و بکشتن شتافت بکشتند او را چو شد در نماز بتیغ عدو جان زتن برفشانند زدنیی بعقبی گزید انتقال سپہبذ چہل شاہ بوذہ چہار کی در سجده کردن بکلی غنوذ ندانند کسی خواست پروردگار چہ انکو کشد خیرہ مردم بکین نبوذ و نباشد زدست زمان از آن مملکت بازگشت این سپاہ شدہ سست زان پادشاہ کار ملک</p>
--	--	---

بخاکش سپردند و گشتند باز

تو گفتی نبوذ آن شہ رزم ساز

کوت دهمیک شاید در آنوقت بر راه لاهور و غزنہ قلعه عسکری بودہ و کلمہ کوت کہ بمعنی حصار و قلعه در ادب قدیم پښتو آمدہ درینجا نیز مستعمل بود. چنانکہ کوت کرور نیز جنوباً بر سواحل دریای سند در ہیمن سرزمین پنجاب واقع بود و تصور میرود کہ نام آن بہ جد بزرگ دودمان سلاطین غور امیر کروور کہ در کتاب پتہ خزائنہ اشعار پښتوی او آمدہ و قدیمترین شاعر پښتو است منسوب گردیدہ و این کلمہ نیز با فتوحات غوریان در ہند رواج یافتہ باشد. اما آنچه در قریہ دھیک علاقہ اندر غزنی گنبدی و مزاری بنام سلطان شہاب الدین غوری موجود است گمان غالب میرود کہ نعش سلطان را بعد از بردن غزنہ در آنجا دفن کردہ باشند. بہ ہر صورت چون سلطان غازی و شہید از فرمانروایان نامدار اسلام و مجاہد بزرگ بودہ و خدمات وی در نشر و توسیع دین مبین اسلام در نیم قارہ ہند و پاک فراموش ناشدنہست و در تاریخ پاکستان و افغانستان مقام بلندی دارد، بنا بران این مشہد وی در دھمیک برای مسلمانان نیم قارہ ہند مورد تبرک و ارادت بودہ شاید وقتی یادگاری بہ نام آن مجاہد بزرگ اسلامی بر آن ساختم شود زیرا خونہی کہ در راه حق و خدا ریختہ است ہموارہ مقدس بودہ و مردم قربانی راہ حقیقت را فراموش نمیکنند.